

با نگاهی به ابعاد اقتصادی

برنامه سوم توسعه؟

قوتها، کاستیها و انتظارات



غلامرضا نصیرزاده



حسین عظیمی



مهدی علی



سیابک صیمی دهکردی



علی اکبر صابری



مرتضی بهش

شرکت‌کنندگان

در

میزگرد



فوق‌لیسانس مهندسی مکانیک، مشاور و عضو هیات علمی سازمان مدیریت صنعتی (اداره‌کننده جله)

دکترای اقتصاد توسعه از دانشگاه آکسفورد انگلستان، دانشیار دوره دکترا در دانشگاه آزاد اسلامی، متخصص مسایل توسعه و اقتصاد ایران، مشاور در بخشهای صنعت و کشاورزی

دکترای اقتصاد از انگلستان، مدیرکل دفتر اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه

مهندس مکانیک، کارشناس ارشد برنامه‌ریزی سیستم‌های اقتصادی - اجتماعی، مدیرکل امور صنایع و معادن سازمان برنامه و بودجه و دبیر کمیته‌های برنامه‌ریزی صنعت و معدن در برنامه سوم توسعه

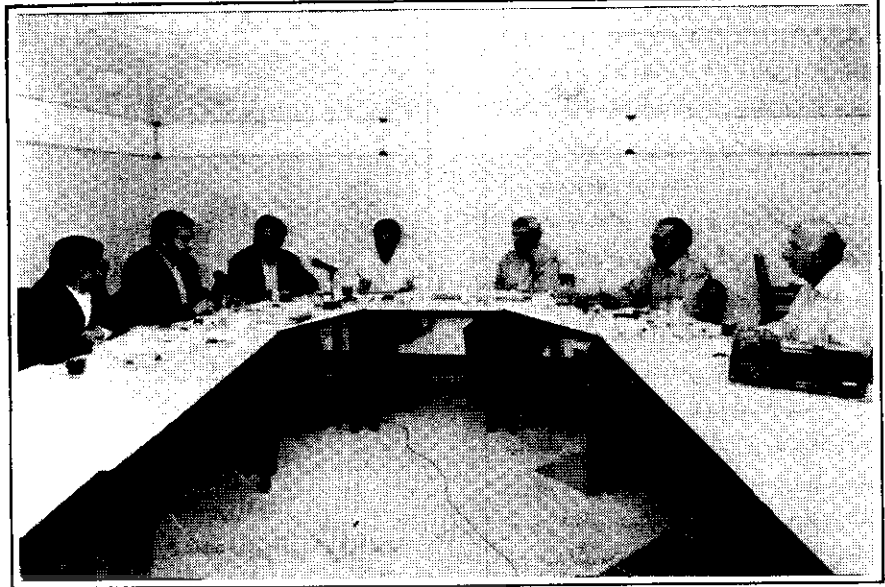
فوق‌لیسانس مهندسی مکانیک از دانشگاه شیراز، رئیس هیات مدیره شرکت صنعتی بیوتان، مدیرمسئول مجله مهندسی مکانیک، متخصص در مسایل صنعتی

دارای تحصیلات دانشگاهی در رشته‌های اقتصاد، آمار و علوم سیاسی تا سطح دکترا (بدون تز) و سابقه فعالیت در سازمان برنامه و بودجه، مرکز آمار ایران و همکاری در ایجاد انجمن مدیران صنایع

بخش دوم و آخر

اشاره

در شماره گذشته تدبیر خوانندگان گرامی، با سابقه برنامه‌ریزی در کشور و نیز ویژگیهای برنامه‌های اول و دوم توسعه به‌طور مختصر آشنا شدند. در آن شماره ضمن بیان ۵ ایراد مهم برنامه‌های اول و دوم توسعه بر این نکته تاکید شد که میان آنچه به‌عنوان برنامه در کشور تهیه می‌شود و آنچه اجرا می‌شود تفاوت قابل توجهی وجود دارد. همچنین به این مساله اشاره شد که این دو برنامه بیشتر به صورت یک برنامه توسعه اقتصادی دیده شده‌اند تا یک برنامه جامع. در بخش اول در مجموع پاسخها، دیدگاهها و نظرات شرکت‌کنندگان پیرامون این پرسش اساسی که برنامه‌های تدوین شده در فرایند اجرا تا چه حد جنبه عملی پیدا کرده است بیان شد و علاقه‌مندان به مباحث اقتصادی به فضای حاکم بر برنامه‌ریزی و امکانات و محدودیتهای موجود در این زمینه پی بردند. در این شماره که دومین و آخرین بخش این میزگرد است با ویژگیها و فلسفه حاکم بر برنامه پنجساله سوم توسعه و نیز رهنمودهای اقتصادی مصوب دولت در این برنامه آشنا خواهیم شد. با امید به آنکه این مباحث بتواند در جهت شناخت بیشتر مسایل و تنگناهای کشور و نزدیک کردن دیدگاههای سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مدیران تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر جامعه مفید و مشرثمر واقع شود، توجه خوانندگان گرامی را به آخرین بخش این میزگرد جلب می‌کنیم.



رهنمودهای اقتصادی برنامه سوم توسعه مصوب هیات وزیران

در شماره پیشین تدبیر، سیاستهای کلی برنامه سوم توسعه مورد تأیید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی که طی نامه‌ای در ۳۶ بند برای اجرا به آقای خاتمی رئیس‌جمهور ابلاغ شده است به اطلاع خوانندگان تدبیر رسید. اینک در این شماره خوانندگان گرامی با رهنمودهای اقتصادی برنامه سوم توسعه، مصوب هیات وزیران که بیانگر دیدگاههای دولت پیرامون این برنامه است آشنا خواهند شد.

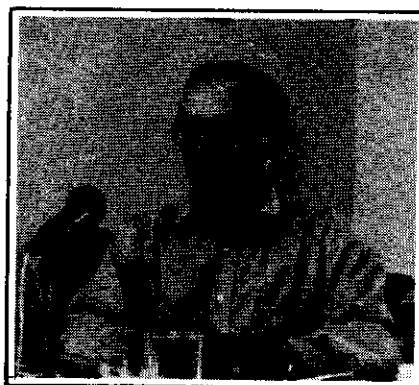
۱ - در تنظیم بودجه‌های سالانه، تامین منابع مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری و امور جاری مربوط به اعمال وظایف حاکمیتی دولت از

وجود دارد، آیا یک فلسفه کلی و سیاستهای سازگاری را می‌توان در این برنامه احساس کرد و اصولاً چه تمهیداتی را باید برای تحقق این سیاستها اندیشید؟

عسلی: اگر بخواهیم مهمترین مشخصه برنامه سوم را بیان کنیم جهت‌گیری آن در اصلاح نهادها و اصلاح ساختارهایی است که عملکرد اقتصاد را شکل می‌دهند. این موضوع از مجموعه رهنمودهای مصوب، از اظهارنظرهایی که توسط مقامات مسئول نظام برنامه‌ریزی به عمل می‌آید کاملاً آشکار است. چون عملکرد بیست سال گذشت اقتصاد و بخصوص برنامه‌های اول و دوم نشان داد که ساختار اداری، قانونی و اقتصادی که شکل گرفته است مناسب یک اقتصاد پویا و کارا نیست. برای به راه انداختن تولید و رشد اقتصادی باید موانع تولید در کشور که چیزی غیر از همین نهادهای اداری، قانونی و غیره نیست برطرف و اصلاح شود. اصلاح نهادی از آن نظر اهمیت پیدا می‌کند که ما چالش‌های آینده را در نظر بگیریم. اکثر مطالعات کارشناسی نشان می‌دهد که با توجه به ساختار جوان جمعیت کشور مساله اشتغال در آینده می‌تواند به مشکل بسیار بزرگی تبدیل شود. برای کنترل این مشکل برآورده شده است که حداقل تولید باید ۶ درصد در سال افزایش یابد تا تقاضای کافی برای نیروی کار برای نگهداشتن نرخ بیکاری در حد فعلی ایجاد شود. ازسوی دیگر جایگاه بین‌المللی کشور مطرح است. از آنجا که کشورهای دیگر در سالهای گذشته رشد سریعی داشته‌اند و سهم آنها در اقتصاد جهانی و کیفیت زندگی در این

نصیرزاده: نظام برنامه‌ریزی کشور اعلام کرده است که در برنامه سوم بر بعد کارشناسی تأکید خواهد شد. در این برنامه همچنین مساله تلفیق مورد تأکید قرار گرفته است. نکته بعدی اینکه شوراهای فرابخش به منظور انجام سیاستگذاری‌های کلان در برنامه سوم پیش‌بینی شده است و بخشها نیز عملیاتی کردن این سیاستها را تعقیب خواهند کرد. علاوه بر این در برنامه سوم پیش‌بینی شده است که شوراهای بخشی و فرابخش در مورد مضامین اصلی و نکات کلیدی مطالعه و فعالیت کنند. مهمترین این مضامین عبارتند از: ساختار بازار، انحصار، رقابت و رقابت‌پذیری، اصلاح‌های ساختاری و نهادی، نحوه مشارکت مردم در فعالیت‌های بخشهای مختلف، کاهش تصدیهای اقتصادی دولت، توسعه بخش خصوصی، خصوصی‌سازی، تجهیز سرمایه‌های داخلی و در نهایت بحث سرمایه‌گذاری خارجی در فعالیت‌های مختلف اقتصادی.

حال سوال این است که آیا مجموعه نکاتی را که در فرایند برنامه سوم مورد بحث قرار گرفته است می‌توان به صورت مجموعه‌ای درست که از منطق مشخصی تبعیت می‌کند تلفیق کرد؟ این سوال در واقع به نوعی به بحث ساماندهی اقتصادی نیز بازمی‌گردد که یکی از پایه‌های برنامه سوم تلفیق شده است. در واقع سوال را می‌توان به گونه دیگری مطرح کرد که برای مثال با توجه به اینکه اولین سرفصل رهنمودهای نهایی شده، بحث عدالت اجتماعی است و از طرف دیگر پاره‌ای از نکات مطرح شده کلیدی نظیر خصوصی‌سازی و سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی در برنامه سوم،



نصیرزاده:

شواهد نشان دهنده تغییراتی در فرایند برنامه سوم در مقایسه با برنامه‌های قبلی است که این موضوع می‌تواند نوعی امیدواری را در برداشته باشد.

بهرتر ایجاد خواهد شد. بنابراین کشورهای جهان سوم اگر عقب‌مانده‌اند برای آن است که نهادهای لازم را برای تشریح تولید مثرتر و مفید ایجاد نکرده‌اند. تمام اینها نشان می‌دهد که مشخصه اصلی برنامه سوم اصلاح ساختار و نهادها و سیاستهای اقتصادی است تا صرف تعیین ارقام کسی رشد برای کلان و بخش‌های اقتصاد و برآورد منابع مالی لازم برای رسیدن به آن رزدها.

صمیمی: بخش صنعت بخشی است که تمام امیدها برای رشد شتابان اقتصادی به آن دوخته شده است. و تجربه کشورهای تازه صنعتی شده و درحال توسعه هم این نقش مهم را تأکید می‌کند. در کشور ما با توجه به معضل اشتغال که خیلی هم نگران‌کننده است از این بابت هم بیشترین انتظارات از بخش صنعت وجود دارد، به طوری که در برنامه سوم انتظار تأمین ۱/۲ میلیون شغل جدید را از بخش صنعت دارند. در بررسیهایی که در فرایند تدوین برنامه سوم در شورا و کمیته‌های صنعت و معدن انجام شد با توجه به روند گذشته سرمایه‌گذاری و بهره‌وری آن و نیز سرانه سرمایه‌گذاری برای ایجاد هر شغل جدید در بهترین حالت که ۷ درصد رشد در بخش صنعت داشته باشیم، تعداد شغل مستقیمی که توسط صنایع کارخانه‌ای ایجاد خواهد شد حدود ۴۳۵ هزار برآورد شد. این در صورتی است که تشکیل سرمایه

کشورها که در سالهای قبل از انقلاب کمتر از کشور ما بوده الان به بالاتر از کشور ما رسیده است. طبیعتاً این نگرانی وجود دارد که ادامه وضع موجود هر سال موقعیت نسبی بین‌المللی کشور را تنزل دهد. بنابراین باید این روند را اصلاح کرد. حالا اگر توجه کنیم که برآوردهای کارشناسی نشان می‌دهد در سالهای آینده درآمدهای نفتی نمی‌تواند افزایش زیادی پیدا کند معلوم می‌شود که بدون تغییر ساختاری و نهادی نمی‌توان به نرخهای رشد بالا رسید. چون اگر به عنوان مثال کشور ۲۰۰ میلیارد دلار در ۵ سال آینده درآمد نفت داشت، شاید بدون تغییرات عمیق نهادی و ساختاری هم می‌توانست به ۶-۷ درصد رشد اقتصادی در سال برسد. ولی اگر برآوردها نشان دهد که این رقم حدود ۲۵ درصد رقم مزبور خواهد بود واضح است که ضرورت اصلاح ساختاری بیشتر خود را نشان می‌دهد، چون بدون آن نمی‌توان یک اقتصاد مولد برون‌نگر که رشد درون‌زا داشته باشد ایجاد کرد. هنگامی که از اصلاح ساختارها و نهادها صحبت می‌شود به نظر من کارآمدتر کردن نظام اجرایی، کاهش دخالت دولت در فعالیتهای اقتصادی و تحدید آن به اعمال حاکمیتی و اصلاح قوانین و مقررات ناظر بر فعالیتهای بازارهای چهارگانه کار، کالا و خدمات پول و سرمایه است. تا موقعی که این اصلاحات در جهت آزادسازی اقتصاد صورت نگیرد اقتصاد کشور به یک اقتصاد پویا و رقابتی و مولد به معنی واقعی تبدیل نخواهد شد. البته در برنامه تدریج و توالی زمانی لازم برای این اصلاحات پیشنهاد شده است.

خوشبختانه احساس می‌شود که اکثر تصمیم‌گیرندگان متقاعد شده‌اند که ادامه وضع موجود امکان‌پذیر نیست و اصلاحات ساختاری و نهادی لازم است. بنابراین مساله اصلی متقاعد کردن تصمیم‌گیرندگان اصلی در کشور برای نحوه انجام اصلاحات و آزادسازی اقتصادی و اطمینان دادن به نتایج مثبت این اقدامات چه از نظر رشد درآمدها و چه از نظر عدالت اجتماعی و توزیع درآمدها است.

من همیشه این نکته درست یکی از اقتصاددانان معاصر را تذکر داده‌ام که می‌گوید اگر در جامعه‌ای نهادهایی وجود داشته باشد که به راهزنی جایزه بدهد سازمانهای راهزنی و غارت دسترنج دیگران تشکیل می‌شود، در حالی که اگر در جامعه‌ای نهادهایی وجود داشته باشد که به ابداع و اختراع و تولید خلاق جایزه دهد سازمانهایی برای ابداع و نوآوری و تولید کالاها و خدمات با کیفیت

قبیل: دفاع، حفظ نظم و امنیت، برنامه‌ریزی و نظارت و... با تأکید بر ارتقاء کارایی و نیز بهبود کیفیت ارائه خدمات در این بخشها، از محل درآمدهای عمومی صورت پذیرفته و از اولویت برخوردار است.

۲ - فعالیتهای تجاری و بازرگانی دولت در قالب شرکتها صورت می‌گیرد و دستگاههای ستادی (وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی) از انجام اعمال تصدی منع می‌گردند.

۳ - تصدیهای اجتماعی (آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و...) با مشارکت مردم و نهادهای عمومی غیردولتی و حتی الامکان زیر نظر شوراهای اسلامی شهر و روستا و سایر شوراهای پیش‌بینی شده در قانون اداره خواهند شد و پرداختهای دولت از محل بودجه عمومی، در قالب پرداختهای انتقالی به آنان صورت می‌پذیرد.

۴ - به منظور کاهش اتکای بودجه دولت به درآمد نفت، سهم درآمدهای مالیاتی از درآمدهای دولت از طرق زیر افزایش می‌یابد:

- بسط پایه‌های مالیاتی

- کاستن از معافیتها و تخفیفهای مالیاتی

- وضع مالیات بر ارزش افزوده

- جلوگیری از راههای فرار مالیاتی

۵ - سیاستهای مالی از طریق منطقی کردن هزینه‌های بودجه عمومی با جهت‌گیری ارتقای کارایی هزینه‌ها و کوچک‌سازی حجم دولت و با تأکید بر عدم افزایش هزینه‌های عمومی

دولت به قیمت ثابت تنظیم می‌گردد. کسری بودجه دولت به نسبت معینی از تولید ناخالص داخلی محدود گردیده و از طرق غیر تورمی تأمین می‌شود.

۶ - ساختار بودجه شرکتهای دولتی با تأکید بر جهت‌گیریهای ذیل اصلاح می‌گردد:

- تجدید ارزیابی داراییهای شرکتها به منظور واقعی نمودن هزینه‌ها و شفاف شدن قیمت تمام شده کالاها و خدمات.

- کاهش اتکای بودجه شرکتهای دولتی به منابع بودجه عمومی.

- ایجاد شفافیت در رفتار مالی شرکتهای دولتی با تأکید بر اصل بودن رفتار تجاری آنها و تقبل هزینه‌های اعمال سیاستهای اجتماعی توسط دولت.

- قانونمند کردن تاسیس شرکتهای جدید توسط شرکتهای دولتی در موارد ضروری.

۷ - نظام مالیاتی (مشتمل بر قانون مالیاتها و مدیریت نظام مالیاتی) از طرق زیر اصلاح می‌گردد:

- تعیین اصول، چارچوب و شاخص‌هایی که کاربرد مالیات را به عنوان انگیزه‌ای برای توسعه و تشویق صادرات غیرنفتی، صنایع و مناطق خاص با اعطای معافیت یا تخفیف مالیاتی قانونمند نموده و موارد تشخیص به صورت علی‌الرأس را به حداقل رساند.

- به هنگام سازی نرخهای مالیاتی و ثبات آن برای دوره برنامه سوم توسعه.

- ساده سازی قوانین و مقررات مالیاتی در ابعاد شفافیت، تعاریف، کاهش طبقات درآمدی و شیوه اجرا.

- اصلاح سازمان و تشکیلات مالیاتی به منظور تمرکز امور سیاستگذاری و تصمیم‌گیری و افزایش توان عملیاتی سازمان موجود.

۸ - به منظور تعیین وظایف، اختیارات و نقش بانک مرکزی، رابطه دولت و بانک مرکزی مورد بازنگری قرار می‌گیرد.

۹ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به منظور مقابله با نوسانات اقتصادی، به انتشار و بازخرید اوراق مشارکت اقدام می‌نماید.

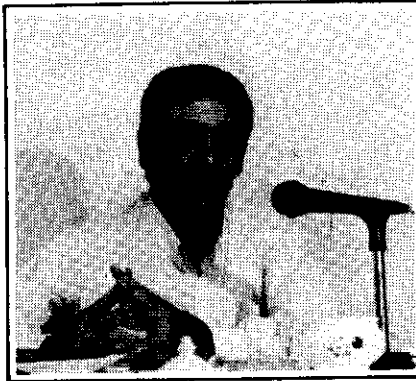
۱۰ - در سیاستهای ارزی، تعدد نرخهای ارز کاهش می‌یابد.

۱۱ - چارچوب سیاستهای پولی با هدفگذاری مشخص بر روی نرخ تورم و به تبع آن تدوین برنامه زمانی کاهش تدریجی میزان تورم تنظیم می‌گردد.

۱۲ - سیاستهای پولی درجهت رشد سرمایه‌گذاری با اتکاء به چارچوبهای سیاستی منکی بر ابزارهای غیرمستقیم و استفاده موثر از این ابزارها در مهار حجم پول، تشویق پس‌انداز داخلی و گسترش بازارهای مالی تنظیم می‌گردد.

۱۳ - سیاستهای پولی از سیاستهای مالی و بودجه‌ای تفکیک می‌گردد و تبصره‌های تکلیفی بودجه و عملیات شبه‌بودجه‌ای و تخصیص اعتبارات براساس معیارها و ضوابط معطوف به بازدهی صورت می‌گیرد.

۱۴ - شرایط رقابتی در بین بانکها گسترش می‌یابد و به بانکها به منظور توسعه و تنوع بخشیدن به خدمات بانکی قابل ارائه به مشتریان در زمینه روشهای اعطاء تسهیلات، محاسبه و دریافت سود تسهیلات و تعیین



عظیمی:

اگر تصویر کلی اقتصادی دولت از برنامه سوم را در یک کلام بیان کنیم به نظر می‌آید که جهت‌گیری اقتصادی دولت همان جهت‌گیری است که در سوسیالیسم اروپایی می‌بینیم.

صابری: تا آنجا که من اطلاع دارم در نوشته‌هایی که برای برنامه سوم تهیه می‌شود حرفهایی بهتر از گذشته وجود دارد و این معلول تجربه تلخ و شیرینی است که از گذشته به دست‌اندرکاران رسیده و عاملی دیگر هم که سهم بیشتری دارد بازشدن فضای فکری و فرهنگی و سیاسی جامعه است که به دست‌اندرکاران اجازه تفکر خلاق را تاحدی داده است.

به طور خلاصه عرض کنم که در برنامه سوم حرفهای بهتری زده شده ولی اینکه این حرفها منکی و مرتبط با یک فلسفه کلی اقتصادی باشند و تصور مشخصی از اقتصاد در ذهن تهیه‌کنندگان دریافت‌کنندگان به وجود آمده باشد به نظر این‌گونه نیست. اصولاً در جامعه ما مسائل بنیادی اقتصادی کم بحث شده و مسایل اقتصادی هم جدا از بقیه مسایل نیست. ما نمی‌توانیم بدون داشتن یک جامعه آزاد صحبت از عدالت اجتماعی بکنیم چون عدالت فقط آن نیست که نان را به طور مساوی تقسیم کنند و آب و برق را ارزان در اختیار مردم قرار دهند. مردم باید حقوق خود را آنچه را که حقشان است دریافت کنند، اولین قدم این است که حق خود را بشناسند و دومین قدم احقاق حق مطالبه حق است و اولین و ضروری‌ترین زمینه برای مطالبه حق وجود آزادی است.

بینش‌های خاص فرهنگی

من در اینجا به بعد فرهنگی اشاره می‌کنم. در

ثابت ناخالص در بخش سالانه ۲۲/۵ درصد رشد کند. اگر بهره‌وری را ثابت فرض کنیم استفاده از ظرفیتهای خالی موجود به شرط تامین طرف تقاضا می‌تواند شغل بیشتری را نیز ایجاد کند، اما با فرض ارتقاء بهره‌وری نمی‌توان چندان به توسعه فرصتهای شغلی بیش از این امیدوار بود. این درحالی است که طی دوره ۷۶-۱۳۷۳ تشکیل سرمایه ثابت ناخالص در بخش صنعت به طور متوسط سالانه ۹/۱ درصد کاهش داشته است و پیش‌بینی کمیته صنعت این بود که شاید بتوانیم ادامه این روند را روند مرگ صنعت بنامیم.

ضرورت اصلاح روند

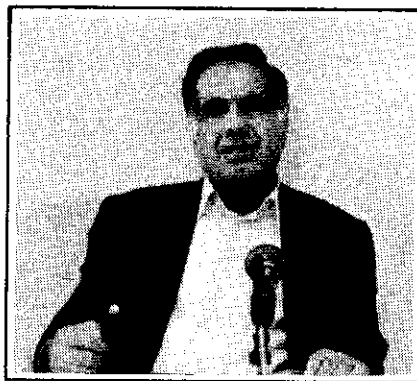
همه علایم موجود حاکی از آن است که اگر روند موجود را ادامه دهیم، نه تنها قادر به تامین شغل موردانتظار نخواهیم بود، بلکه امکان از دست دادن فرصتهای شغلی نیز محتمل خواهد بود. اصلاح روند هم جز از طریق اصلاحات ساختاری در رفتار دولت و بنگاههای دولتی و تقویت فضای رقابت و فعالیت بخش غیردولتی و برون‌نگری اقتصادی امکان‌پذیر نیست. اما هم‌اکنون شاهد آن هستیم که حتی مقوله مهمی مانند رقابت هم مورد تشکیک واقع می‌شود. اگر محافظه‌کارانه با این موضوع برخورد کنیم قطعاً قادر به ایجاد تحول و اصلاح روند نخواهیم بود. تمهیداتی که آقای نصیرزاده مطرح کردند در همین راستاست. آنچه در زمینه توسعه سیاسی و فرهنگی کشور رخ داده است و نقش و مشارکت و اهمیت مردم مورد تاکید قرار گرفته است باید به حوزه مسائل اقتصادی هم تسری یابد. محترم شمردن حقوق فردی در حوزه فعالیتهای اقتصادی و تولیدی هم بخشی از حقوق اجتماعی شهروندان است. این مسائل هم باید در مطبوعات مطرح شود و افکار عمومی به آن پاسخ دهند. اگر در شرایط کنونی کشور ما بخش قابل ملاحظه‌ای از درآمد محدود نفتی خودش را صرف واردات کالاهای اساسی می‌کند که با یارانه توزیع می‌شود باید این وارد لایه‌های آگاهی مردم شود که آیا حاضرند روغن ارزان امروز را به قیمت گرسنگی فردای فرزندانشان و از بین رفتن ثروت نفتی مصرف کنند؟ مشارکت مردم در تصمیمات و گسترش دامنه بحثها و آگاهی بخشیدن‌ها در زمینه مسائل اقتصادی نه به صورت یک طرفه از جانب دولت به مردم، بلکه از طریق تعامل و تضارب افکار عمومی می‌تواند این حقایق را وارد آگاهیهای عمومی کند و برنامه‌ها را از حالت اسناد انتزاعی به صورت تصویر مجسمی از عزم ملی درآورد.

فرهنگ حاکم برجایه بیش از آنکه حکومت توانسته باشد محدودیت برای آزادیها درست کند به علل و بهانه‌های مختلف خود آدمها هستند که خودشان را محدود می‌کنند. بنابراین همان‌طور که آقای صمیمی اشاره کردند این مسائل باید در نهادهای دموکراتیک بحث و جدل شود و به نتیجه برسد. آنجا جایی است که فکرهای آزاد به جولان درمی‌آیند و حقوق افراد بر مبنای ضوابط پذیرفته شده برای جامعه تدوین و مشخص و شفاف می‌شود. پس هرکسی حق خود را مطالبه می‌کند، وقتی حق مطالبه و شناخته شد، زمینه اولیه برای تحقق عدالت اجتماعی فراهم می‌شود. عدالت اجتماعی مسلماً این نخواهد بود که دولت به‌عده‌ای کارشناس دستور دهد که برای مردم عدالت اجتماعی درست کنند چنین چیزی غیرممکن است اتفاق بیفتد، کمالینکه تصمیمهای این چنینی در کشورهای کمونیستی گرفته شد و فاجعه درست کرد.

عرضم این است درباره مطالبی که راجع برنامه گفته شد من اصلاً اعتقاد ندارم که اینها برنامه است. بلکه اینها اسنادی است بسیار محدود. اگر فرایند کلی حرکت جامعه به سمت دستیابی به آرمانهایش را برنامه تلقی کنیم، این مدارک نقش کم رنگی داشته است و در همین حال با همین وضع نقش آن نسبت به گذشته بهتر شده است.

قطعاً تا زمانی که این کارها برنامه شود و آن فرایند مطلوب را به جریان اندازد فاصله خیلی زیاد است. من همین‌جا می‌خواهم که موردی را که دوستان هم اشاره کردند راجع به نظریات تخصصی و وجود متخصص‌ها و نقشی که این گروه در تدوین برنامه خوب دارند عرض کنم که البته وجود متخصص و دانشمندان برای تدوین برنامه، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است، ولی کافی نیست.

برای توضیح عرضم مثالی می‌زنم. من براساس اطلاعات مهندسی خودم به‌طور قاطع می‌گویم دانش و تخصص ما امروز در این کشور خیلی بیشتر و پیشرفته‌تر از دانش آمریکاییها در زمانی است که آنها پل گلدن گیت را می‌ساختند، اما چرا نمی‌توانیم حتی کارهای بسیار کوچکتر از آن را انجام دهیم برای اینکه ما اصلاً پیش و چشم‌اندازی از زندگی و توان خودمان نداریم که جرات کنیم دست به این کارها بزنیم. این کارها شهادت می‌خواهد و به انسانهایی نیاز دارد که آژاده‌وار فکر کنند، ریسک بپذیرند و انسانهای آژاده‌تری که از اینها حمایت کنند. اصولاً برای اینکه ما به برنامه با آن تعریفی که



به‌تشی:

اگر می‌خواهیم یک سری تفکر جدید را وارد سیاستهای اقتصادی کنیم باید به‌طور دقیق بیان کنیم که هریک از عوامل موثر اقتصاد ملی در چه جهت باید تغییر کنند.

عرض کردم برسیم لازم است که ما کمی قدم به عقب بگذاریم و راجع به مسائلی که کمتر جرات بحث در آن می‌شود صحبت کنیم، اقتصاد یعنی چه، چه چیز را می‌دهیم و چه چیز را می‌گیریم، چه چیزهایی را باید قربانی کنیم برای اینکه اقتصادمان را توسعه دهیم. بنگریم که آیا جامعه قبول دارد که قربانی بدهد و هزینه رشد اقتصادی مطلوب را بپردازد یا نه. اینها چیزهایی است که پیش ما را در مجموع فراهم می‌کند و اگر این پیش‌ها درست نشود کسی نمی‌تواند برای تحقق اهداف خردمندان‌اش در مقابل جامعه بایستد، حتی هرچقدر هم متخصص و دانشمند باشد. اگر متخصصان و دانشمندان ما اقدام به اصلاح این زیربنای فکری جامعه نکنند و در رسانه‌ها تبلیغ کافی نشود فرصتها از دست خواهد رفت. ما باید همانند مسایل فرهنگی و سیاسی مباحث اقتصادی نظیر اصول حاکم بر اقتصاد و نقش اقتصاد در زندگی افراد، نقش اقتصاد در فرهنگ و ایدئولوژی را به جامعه عرضه کنیم و حمایت جامعه را بگیریم. اکنون برای همه مسلم شده است که دیگر آن زمان گذشته که مابه‌عنوان تولیدکننده، کالایی را تولید کنیم و فکر کنیم مردم آن را باید بخرند. امروزه برای اینکه کالایی خریداری شود باید از مشتری و بازار نظر بخواهند تا احتمالاً بتوانند در بازار سالم رقابتی موفق شوند. قطعاً برنامه‌های اقتصادی کمتر از یک کالا برای مردم نیست، زندگی مردم را تحت

سود سپرده‌ها براساس عملکرد واقعی طرحها مبنی بر قانون عملیات بانکی بدون ربا آزادی عمل اعطاء می‌گردد.

۱۵ - استفاده از ابزارهای نوین تامین مالی (ازجمله اوراق قرضه ارزی و...) به منظور تامین منابع ارزی لازم از طریق حضور فعال در بازارهای مالی بین‌المللی مدنظر قرار می‌گیرد.

۱۶ - شناسایی اقلام خاص حساب سرمایه و آزادسازی تدریجی مبادلات این اقلام براساس برنامه زمانبندی شده در جهت ایجاد زمینه‌های لازم برای جلب و حمایت از سرمایه‌گذاران مستقیم خارجی و فراهم نمودن زمینه‌های جلوگیری از فرار سرمایه مدنظر قرار می‌گیرد.

۱۷ - به منظور افزایش کارایی بخش مالی و رفع اختلالات و ناهماهنگی‌های ناشی از عوامل مختلف ازجمله تصدی دولت بر ارکان نظام مالی، مجموعه‌ای از اقدامات ضروری در جهت اعمال تدریجی ضوابط رقابتی - انگیزشی، مقررات‌زدایی، آزادسازی و مشارکت دادن بخش خصوصی اتخاذ می‌شود.

بر این اساس در بازارهای پول، بیمه و سرمایه سیاستهای مناسب جهت گسترش رقابت، کاهش هزینه‌های معاملاتی و جلوگیری از شکل‌گیری انحصار تنظیم می‌شود.

۱۸ - تفکیک وظایف بانکهای تجاری و تخصصی و اعطای آزادی عمل بیشتر به این بانکها در چارچوب مقررات ناظر بر فعالیت بانکهای تجاری در بازار کوتاه‌مدت و سوق دادن پروژه‌های بلندمدت به بانکهای تخصصی و ایجاد ترتیبات بین بانکی برای تخصیص منابع بلندمدت به بانکهای تخصصی با فراهم آوردن امکانات جذب هرچه بیشتر سپرده توسط این بانکها، صورت می‌گیرد.

۱۹ - برای گسترش صنعت بیمه، تعمیم نقش بیمه در اقتصاد و ایجاد زمینه‌های قانونی لازم جهت حضور موثر و فعال موسسات بیمه در بازار سرمایه، اقدامات لازم انجام می‌گیرد. همچنین به منظور اجتناب بنگاههای اقتصادی از عملیات خود بیمه‌ای و اعمال و توسعه مدیریت ریسک در این واحدها، روشهای مناسب اتخاذ و مقررات لازم وضع می‌گردد.

۲۰ - زمینه‌های مناسب برای گسترش بیمه‌های تضمینی و اعتباری، بیمه پروژه‌های موضوع وامها، تسهیلات تامین مالی، سرمایه‌گذاران و صادرات غیرنفتی فراهم

تأثیر قرار می‌دهد. اگر مردم مسائل اقتصادی را نپذیرند و بینش و اعتقادشان همراه گامهای سختی که تلاشگران متخصص برمی‌دارند نباشد، حتماً برنامه‌ها به ثمر نخواهد رسید، حالا هرچقدر هم خوب بنویسند.

بهشتی: با توجه به صحبت‌هایی که آقای دکتر عسلی و آقای مهندس صمیمی فرمودند توجه را به این نکته جلب می‌کنم اگر رهنمودهای پنجاه‌گانه اقتصادی را مورد بررسی قرار دهیم بایک حالت انفعالی رویرو می‌شویم که می‌خواهیم به سوی اقتصاد متکی به عوامل بازار و بازکردن فضای فعالیت حرکت کنیم، ولی بانوعی برخورد نیمه مستقیم و گاه پنهان که حتی قابل تفسیر به نوع دیگر است مواجه می‌شویم. به نظر بنده این بدترین نوع برخورد برنامه برای بیان دیدگاهها است که در عمل باعث خواهد شد راهکارها به صورت متضاد و دویپهلوی آنچه را که مورد نظر بوده است به اجرا نگذارد. زمانهایی است که شهامت را از امام راحل رحمه الله علیه، باید یاد بگیریم. ایشان برای پایان دادن به جنگ فرمودند جام زهر را می‌نوشم، یعنی تغییر کامل سیاستهای پیشین. اکنون که از سیاستهای اقتصادی قبلی خود نتیجه لازم را نگرفته‌ایم باید با جامعه به طور صریح و روشن بیان مسئله کنیم و بگوئیم در چه زمینه‌هایی اشتباه کرده‌ایم و یا سیاستها غلط پیاده شده و امروز با هماهنگی کامل باید به سوی سیاستهای جدید حرکت کنیم و جامعه را با خود همراه کنیم و تمام الزامات سیاستهای جدید را هم بپذیریم.

به طور مثال وقتی منتقدیم و با همه تحقیقات انجام گرفته پذیرفته‌ایم که سهم دولت در اقتصاد ملی به نحو بارزی افزایش یافته است براساس آمار و ارقام به صراحت مشخص کنیم که در برنامه سوم یک دیدگاه اصلی اینست که سهم دولت در هریک از فعالیتهای اقتصادی کاهش یابد و میزان این کاهش را هم بیان کنیم که در هر زمینه این کاهش به چند درصد باید برسد. در این صورت و براساس این دیدگاه گروههایی که جزئیات کاربردی برنامه را تهیه می‌نمایند تکلیف خود را می‌دانند.

مثال دیگر درباره مالیاتها است. قرار بود در برنامه دوم، نظام مالیاتی بهبود پیدا کند، ولی چه تغییری در این نظام پیدا شد؟ هیچ، فشار مالیاتی بر موسسات اقتصادی و حتی زیانده تحمیل گردید. در این برنامه هم وقتی در مورد مالیاتها بیان دیدگاه می‌کنیم؟ (شماره ۹۷) مانند یک منقذ به بیان اشکالات می‌پردازیم که نرخها بهنگام شود، قوانین



صابری:

من اصلاً اعتقاد ندارم که اینها برنامه است، بلکه اسنادی است بسیار محدود. اگر فرایند کلی حرکت جامعه به سمت دستیابی به آرمانهایش را برنامه تلقی کنیم، این مدارک نقش کمرنگی داشته است.

و مقررات و تعاریف شفاف گردد، طبقات مالیاتی کاهش پیدا کند و سازمان و تشکیلات مالیاتی اصلاح شود.

به نظر من، این‌گونه بیان مسئله کردن دیدگاه نیست. در اقتصاد امروز کشور شاهدیم که یک فرد می‌تواند صدها میلیون تومان در معاملات مختلف به دست آورد و شاید یک پایاسی هم مالیات نپردازد ولی یک شرکت تولیدی کوچک دم چنگ سیستم مالیاتی است و اگر زیانده هم باشد، برای او مالیات قابل توجه تعیین می‌شود. بیان دیدگاه برنامه این است که براساس یافته‌های خود در برنامه اول و دوم مثلاً به این نتیجه رسیده باشیم که قانون برای تولیدکننده باید این‌گونه نرخها را تعیین کند و نظام مالیاتی براساس اظهارنامه‌های مالیاتی افراد و تعیین دارایی‌ها و درآمدهای آنان تنظیم شود و سیستم اداری هم براین اساس تغییر یابد. و لازمه آن هم این است که این مطالعات به صورت علمی صورت گرفته باشد.

وقتی در جامعه قرار شد سیاست تعدیل، پیاده شود از دهها عامل موثر در سیاست تعدیل مثل کاهش کسری بودجه، جایگزینی استقراض از مردم به جای استقراض از سیستم بانکی و کوچک کردن و ادغام سازمانهای دولتی و جلوگیری از فعالیت اقتصادی دولت در فعالیتهایی که مردم می‌توانستند خود آنرا انجام دهند و امثالهم فقط با نرخ ارز، بازی کردیم که پس از مدتی ناچار شدیم دوباره

می‌شود.

۲۱ - شرکتهای بیمه انکایی با ساختار خصوصی و تعاونی جهت توسعه ظرفیت و نگهداری ریسک در کشور و توسعه عملیات قبولی بیمه از خارج با رعایت مقررات ارزی کشور تاسیس می‌گردد.

۲۲ - مالکیت خصوصی، کسب سود و ایجاد ثروت در چارچوب قانون محترم خواهد بود و حقوق مالکیت خصوصی و سود حاصل از فعالیتهای اقتصادی در چارچوب قانون تضمین می‌گردد.

۲۳ - الف: کالاها و خدمات به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱ - کالاهای اساسی و دارو و کالاها و خدماتی که تولید و عرضه آنها انحصاری‌اند و همچنین کالاهاهایی که سهم بزرگی از هزینه مصرف خانوادگی کم‌درآمد را تشکیل می‌دهند. قیمت این گروه از کالاها و خدمات را دولت تعیین می‌کند. این قیمت‌ها برای دوره‌های معین، ترجیحاً یکساله، محاسبه و اعلام می‌شوند.

۲ - قیمت بقیه کالاها و خدمات براساس نرخ روز و بر مبنای عرضه و تقاضا در بازار، تعیین می‌شود و دولت از محاسبه و اعلام نرخ برای آنها خودداری می‌کند.

ب - به منظور جلوگیری از کاهش تولید کالاهای مشمول بند «۱» که ممکن است به دلیل سیاست قیمت‌گذاری بوجود آید، نرخ فروش آن کالاها برای واحدهای تولیدی یا شرکت‌های تجاری تامین‌کننده آن، براساس واقعیت‌های روز و هزینه‌های واقعی مواد اولیه، نیروی انسانی، هزینه مالی، هزینه‌های عملیاتی تولید، هزینه استهلاک و با در نظر گرفتن سود عادلانه تعیین می‌شود.

ج - تامین‌کنندگان کالاهای مشمول بند «۲» اعم از تولیدکننده، واردکننده یا توزیع‌کننده، براساس اصول تجاری قانونی و عادلانه و شرعی و قانون تجارت و اصول مکاسب، مجازند تجارت و کسب و کار نمایند و باید از اقداماتی نظیر احتکار و یا بازارشکنی (دامپینگ) برای برهم زدن مصنوعی تعادل بازار خودداری کنند.

تولیدکنندگان موظف خواهند بود مشخصات فنی و قیمت فروش کالا را برای مصرف‌کننده بر روی کالاهای خود درج و ثبت

به سوری سیاست تثبیت حرکت کنیم. گفتیم سیاست تعدیل ناموفق بود. حال اگر می‌خواهیم یک سری تفکر جدید را وارد سیاستهای اقتصادی کنیم باید به‌طور دقیق بیان کنیم که هریک از عوامل موثر اقتصاد ملی در چه جهت باید تغییر یابد و حتماً در مورد چگونگی این تغییر هم قیلاً فکر شده باشد. باز به‌همین مثال دیدگاهها در مورد مالیاتها برمی‌گردم. در اغلب کشورهای دنیا سیستم مالیاتی متکی بر سیستم درآمد افراد و خانوارها است و مجموع درآمد یک فرد یا خانوار پس از قبول هزینه‌های خانوار و سرمایه‌گذارها ملاک تعیین مالیات است که هم در افراد یک جامعه انضباط اقتصادی ایجاد می‌کند و هم درآمد دولت از محل مالیات افزایش پیدا می‌کند و هم موسسات اقتصادی در فضای سالم‌تری با قوانین مالیاتی برخورد دارند و مردم هم باید حساب دخل و خرج خود را داشته باشند و در نتیجه تقلبهای مالیاتی کاهش می‌یابد. ولی در موقع بیان دیدگاهها برای برنامه سوم، مطالبی را بیان می‌کنیم که اگر کوچکترین تغییری هم در نظام فعلی، نرخها و... داده نشود در پایان برنامه همین دیدگاه را می‌توانیم برای برنامه چهارم به‌کار بریم و اجرای آن‌هم هیچ الزامی برای هیچکس به‌وجود نمی‌آورد.

کللی نگر

اگر در فرصت محدود بخواهم مثال دیگری از دیدگاههای بیان شده برای برنامه سوم بیاورم که یک نوع کللی نگر بدون تبیین هدف است رهنمود ۹۲ است. استنباط کللی این است که در برنامه سوم می‌خواهیم به‌سوری یک اقتصاد آزاد حرکت کنیم. در این دیدگاه به‌صراحت می‌گوید دستگاههای ستادی یعنی وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی از اعمال تصدی منع شده‌اند ولی اجازه می‌دهد که فعالیتهای تجاری و بازرگانی دولت در قالب شرکتها صورت گیرد. مفهوم این دیدگاه را اگر بخواهیم درست بشکافیم این است که یک شرکت تضامنی بین پدر و پسر تشکیل شده است که می‌گوییم فعالیتهای اقتصادی را پسر انجام دهد و پدر پشت دخل بنشیند. بحث اصلی در اقتصاد ما و یک مشکل اساسی در بودن شرکتهای دولتی است که همیشه و در همه ادوار مورد حمایت وزارتخانه‌ها و سازمانهای ستادی بوده‌اند و از تمام امتیازات بهره‌گرفته‌اند و از عملکرد آنها اقتصاد ملی آن‌گونه که لازم بوده است منتفع نشده است. این دیدگاه مسلم اگر اجرا شود به‌گسترش شرکتهای دولتی یا از نظر فعالیت و یا از نظر تعداد خواهد انجامید که درست مخالف اجرای سیاست اقتصاد آزاد است.



عسلی:

مهمترین مشخصه برنامه سوم، جهت‌گیری آن در اصلاح نهادها و ساختارهایی است که عملکرد اقتصاد را شکل می‌دهند.

از نظر بنده دیدگاههای اقتصادی ارائه شده اولاً به مسائل اصلی توجه ندارد و درثانی دچار تعارض فکری است که آیا وضع موجود با اندکی تغییر ادامه یابد و یا باید دگرگونی عمیق ایجاد شود. اگر در وضع فعلی به مجموعه فعالیتهایی که در دولت انجام می‌گیرد، یعنی شرکتها تحت پوشش دولت بعلاوه نهادهای عمومی را در نظر بگیریم جایی برای مردم باقی نمی‌ماند که سهم خود را در پیشبرد اهداف اقتصادی ایفا نمایند.

در تغییر تفکر هم از این نکته مهم نباید غافل بمانیم که اگر دولت اعتقاد راسخ به دگرگونی عمیق در وضع موجود داشته باشد شهادت بیان آن یک موضوع است، ولی شاید از آن مهمتر تفکری است که در بسیاری از ارگانها و نهادهای غیررسمی به‌وجود آمده که از رانت‌ها و فرصت‌های مختلف بهره‌جویی کرده‌اند و در برابر هر نوع تغییری مقاومت می‌نمایند و برای این مقاومت هم عوامل موثر در اختیار دارند و باید برنامه مبارزه با این‌گونه مقاومتها هم تنظیم شود. در تمام دیدگاههای اقتصادی که برای برنامه سوم ارائه شده است مسائل مختلفی وجود دارد که کاش فرصت بود تا وارد یکایک آنها می‌شدیم هم اشکالات و هم تناقضات و هم الزامات آنها را بیان کنیم به یک مثال دیگر بسنده می‌کنم. در رهنمود ۱۲۶ که بیشتر به‌صورت یک ماده از یک قطعنامه یک مینتینگ است و در آن برای ایجاد اشتغال و کمک به توسعه

نمایند. از اصناف و فروشندگان نیز خواسته خواهد شد تا قیمت کالاها را به نحوی که قابل تشخیص باشد بر روی کالاها خود نصب کنند. دولت ضمن اعمال نظارت بر نظام توزیع این کالاها و عدم دخالت عملی و اجرایی، در صورت لزوم با استفاده از اختیارات قانونی و حقوقی تکلیف خود را در تنظیم بازار و جلوگیری از احتکار، بازاریشکنی (دامپینگ) یا ایجاد انحصارهای مختلف، انجام می‌دهد.

د - چنانچه، قیمت‌های تعیین شده برای کالاها و خدمات، لزوم پرداخت یارانه به واحد تولیدی یا تجاری تامین‌کننده کالاها و خدمات را نشان دهد و یا اخذ مابه‌التفاوت را ممکن سازد دولت با استفاده از اختیارات خود نسبت به پرداخت یارانه یا اخذ مابه‌التفاوت، حسب مورد، اقدام و بدین ترتیب منافع مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان را تامین می‌کند.

ه - به‌منظور کاستن از نوسانات و چندنرخ‌ی شدن کالاها و خدمات، دولت از دادن امکانات یا مزایای ویژه و یا فروش نهادهای تولید به نرخ پایین‌تر از قیمت واقعی به برخی از واحدهای تولیدی و تجاری، خودداری خواهد کرد و در موارد لازم برای تنظیم قیمت کالاها و خدمات، از روش مندرج در بند «د» استفاده می‌کند.

۲۴ - به‌منظور استفاده از انواع سرمایه‌گذاری و مشارکت خارجی، قانون و مقررات مربوط به جذب منابع خارجی، اصلاح می‌شود و شفافیت، تنوع و انعطاف لازم در آنها ایجاد می‌گردد.

۲۵ - ایجاد و اصلاح نهادهای تخصصی و مدیریتی برای مشارکت بیشتر بخش تعاونی و خصوصی در سرمایه‌گذاری و تولید مورد حمایت قرار می‌گیرد.

۲۶ - اصلاح و توسعه نهادهای مالی و بانکداری، به‌منظور پشتیبانی از سرمایه‌گذاری و تولید و توسعه نهادهای تعاونی و خصوصی مدنظر قرار می‌گیرد.

۲۷ - نظام تصمیم‌گیری اقتصادی با حذف مراجع موازی و برقراری رابطه طولی در تصمیم‌گیرهای اقتصادی، اصلاح می‌گردد.

۲۸ - نهاد سیاستگذار و ناظر بر بازار سرمایه با هدف تضمین و گسترش ابزارها و نهادها و راهکارهای مربوطه معین می‌گردد.

۲۹ - نرخ سود تسهیلات اعتباری در بخشهای

مختلف اقتصادی یکسان می‌شود و حمایت دولت از بخشها و فعالیتهای موردنظر به صورت شفاف در بودجه‌های سالانه منظور می‌شود.

۳۰ - با توسعه خدمات بیمه‌ای و اصلاح نظام قیمت‌گذاری تضمینی محصولات مشمول، سرمایه‌گذاری و تولید در بخش کشاورزی مورد حمایت قرار می‌گیرد.

۳۱ - سرمایه بانکهای تخصصی و صندوق حمایت از سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی تقویت می‌گردد.

۳۲ - مراحل اضافی و پیچیدگی‌های مقرراتی و تکالیف زاید از فرایند سرمایه‌گذاری و تولید حذف می‌گردد.

۳۳ - قوانین و مقررات مربوط به تعرفه‌های گمرکی، مالیات و عوارض در جهت کاستن از تعدد انواع و ایجاد تمرکز در آنها مورد بازنگری و اصلاح قرار می‌گیرد.

۳۴ - نظام تامین اجتماعی به نحوی گسترش می‌یابد که زمینه‌های کاهش حضور سالمندان و کودکانی که به دلیل مشکلات اقتصادی وارد بازار کار می‌گردند، فراهم شود.

۳۵ - برای محدود کردن استفاده از نیروی کار خارجی با تاکید بر استفاده بیشتر از نیروی کار بومی سیاستهای مناسب اتخاذ می‌گردد.

۳۶ - ساختار انگیزشی مناسب و حمایت هدفدار و زمان‌دار و مشوقهای لازم در جهت سرمایه‌گذاری و توسعه صنعت گردشگری، صنایع و معادن کوچک، متوسط و صنایع تبدیلی و تکمیلی در بخش کشاورزی برقرار می‌گردد. بدین ترتیب امکان گسترش مشاغل تولیدی با کاربری بیشتر و سرمایه‌بری کمتر با هدف ایجاد اشتغال و کمک به توسعه صادرات فراهم شود.

۳۷ - بازارآیسی آموزش نیروی انسانی در سطوح مختلف عمومی، فنی و حرفه‌ای و عالی در جهت تامین نیازهای بنگاهها و موسسات و کارگاههای اقتصادی و بازسازی تخصصی مهارتی نیروی انسانی، با تاکید بر نیاز اشتغال زنان و جوانان و با مشارکت بخش تعاونی و خصوصی مورد تاکید قرار می‌گیرد.

۳۸ - ضوابط و مقررات ناظر بر بازار کار به منظور ایجاد اشتغال بیشتر مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

۳۹ - ارتباط منطقی بین دستمزدهای واقعی و



صمیمی:

**در کشور ما با توجه به معضل اشتغال،
بیشترین انتظارات از بخش صنعت است،
به طوری که در برنامه سوم انتظار تامین
۱/۲ میلیون شغل جدید وجود دارد.**

زیسادی تحت تاثیر انتخابات دوم خرداد و نظرگاههای جناب آقای خاتمی است در چند نقطه خودش را نشان می‌دهد. از جمله در این برنامه بر فراگیر بودن تاکید شده است و صرفاً یک برنامه توسعه اقتصادی مدنظر نبوده است.

نکته دیگر این است که در این برنامه نهادسازی مورد توجه جدی قرار گرفته و از اینکه برنامه‌ها تبدیل به سندی برای تخصیص منابع شود احتراز شده است.

برایین اساس تمهیداتی اندیشیده شده، شوراهایی درست شده و هر شورایی کمیته‌هایی دارد و مراجلی نیز برای برنامه‌ریزی پیش‌بینی شده است. سازمان برنامه و بودجه هدایتگر این برنامه است. ضمناً برخی از شوراهای تهیه این برنامه مانند شوراهای اقتصادی برنامه عمدتاً در اختیار سازمان برنامه باقی مانده است. در کنار این مسایل، بحث این بوده است که در مراحل اول و دوم هیچ رقم و عددی داده نشود و فقط اهداف کلی و رهنمودها تبدیل به مجموعه‌های عملیاتی شوند. به عبارت دیگر اگر برای هر رهنمودی قانونی باید تغییر کند آن قانون مشخص شود. اگر سازمانی قرار است تغییر کند، آن تغییرات سازمانی مطرح شود و...

بنابراین عملیاتی کردن بیشتر در چارچوب تغییر مقررات و سازمانها مطرح است، نه وارد شدن در کمی کردن مسایل. تصور این است که کمیات در

صادرات به ساختار انگیزشی مناسب، حمایت هدفدار و زمان‌دار و مشوقهای لازم جهت سرمایه‌گذاری می‌پردازد. به توسعه گردشگری، صنایع و معادن کوچک، متوسط و صنایع تبدیلی و تکمیلی در بخش کشاورزی اشاره دارد و آن را گسترش مشاغل تولیدی با کاربری بیشتر و سرمایه کمتر قلمداد می‌کند.

وارد بحث این ملقمه عجیب و غریب نمی‌شوم، ولی چون هدف را کمک به توسعه صادرات قلمداد کرده است فقط اشاره می‌کنم که ورود به بازارهای صادراتی نیاز به بازاریابی و تشکیلات مخصوص به خود دارد که بسیار هزینه‌بر و پرهزینه است. آنها که در این بازارها موفق بوده‌اند ابتدا با اتصال با شرکتهای خارجی که دارای این امکانات بوده‌اند تحت نظر آنها هم استانداردها را به کار بسته‌اند هم بسته‌بندی‌های خود را مطابق سلیق مصرف‌کننده تغییر داده‌اند و هم از آخرین تکنولوژی‌ها که در اختیار آنها گذاشته شده بهره‌گرفته‌اند و هم تداوم سیاستهای ملی مانع از حضور دائم آنها نشده است تا آنکه به تدریج گسترش کمی و کیفی پیدا کرده‌اند و توانسته‌اند در بازارهای صادراتی جهانی به‌زحمت برای خود جایی فراهم کنند. حال بحث این است که در کجای دیدگاهها به این نوع همکاری بین‌المللی که یک ضرورت است و تغییر در بعضی از دیدگاهها را می‌طلبد اشاره شده است. آیا صادرات بدون این پشتوانه می‌تواند موفق باشد؟

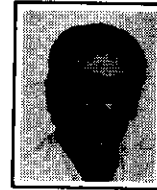
خلاصه کنم برای دیدگاههایی که باید ارائه شود تا براساس آن راهکارها ساماندهی گردد، چند محور اساسی وجود دارد که برنامه سوم را هدفمند می‌تواند جلو برد که مثالهایی را ذکر کردم و بحث درباره آنها را به فرصت بعدی موکول می‌کنم.

امیدوارم در برنامه سوم به هماهنگی بین سیاستهای مختلف اقتصادی هم بذل توجه شود که اتفاقاتی مانند آنچه که اکنون صنعت نساجی به آن دچار است و از یک سو واحدهای تولیدی نساجی خوابیده‌اند و از سوی دیگر به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم اجازه ورود پارچه داده می‌شود و در رشته‌های دیگر تولید هم مشابه آن زیاد است مواجه نشویم.

عظیمی: در تجزیه و تحلیل برنامه سوم باید روی یک سری نکات تاکید کرد. تعدادی از این نکات را فرمودند از جمله اینکه نظام تهیه این برنامه و نیز نگرشهای حاکم بر آن با برنامه‌های قبلی قطعاً متفاوت است. این تفاوتها هم که تا حد فوق‌العاده

عظیمی:

**بین تصویری
که از رهنمودهای
اقتصادی
موردناید
مقام معظم رهبری
به دست می آید
و تصویری که
از رهنمودهای
اقتصادی
هیات دولت
حاصل می شود
فاصله زیادی
وجود دارد.**



جریان سالهای برنامه از طریق بودجه مشخص خواهد شد.

آنچه برای این برنامه پیش بینی شده این است که یک الگوی کلانی وجود دارد. آن الگوی کلان با فرضیاتی یک رشد اقتصادی را براساس سرمایه گذاری، الگوی مصرفی، استفاده از منابع و سبستهای کلان پیش بینی می کند ولی چارچوب های بخشی از نظر کمیات ارائه نخواهد شد. پس در لایحه برنامه سوم جدول کلانی وجود دارد که فقط متغیرهای کلان را توضیح می دهد و این ارقام هم فقط جنبه ارشادی و هدایتی دارند نه جنبه اجرایی. یعنی هیچیک از این متغیرها معنا و مفهوم اجرایی ندارد. تفاوت اساسی دیگر در تهیه برنامه سوم با برنامه های اول و دوم از نظر نوع شوراها و سازماندهی ها... تهیه برنامه است. در جریان تهیه برنامه سوم مجموعه ای از شوراها و فرابخشی به وجود آمده و به آنها ساموریت داده شده است که در مرحله اول رهنمودهای کلی را تهیه کنند.

سازمان برنامه این رهنمودها را به سه دسته تقسیم کرده است. یک دسته رهنمودهایی است که فقط ستاد برنامه یعنی سازمان برنامه تصویب کند کافی است. یک دسته رهنمودهایی است که لازم است برای تصویب حتماً باید برای هیئت دولت فرستاده شود. دسته دیگر هم رهنمودهایی است که لازم است توسط مقام معظم رهبری تأیید شود.

نصیرزاده:

**افزایش
مساله اشتغال، فقدان
جمعیت عظیم جوان کشور،
نظام تأمین اجتماعی مناسب،
عدم کارایی دولت
و مشخص نبودن
اولویتهای علمی کشور
به همراه
پاره های مشکلات دیگر
بیانگر
این واقعیت است
که به حرکتی سریع
به جلو نیاز داریم.**



متنی که در اسفند ۷۷ تحت عنوان مجموعه رهنمودهای کلی مسرور ستاد برنامه پیشنهادی هیئت وزیران توسط دبیرخانه ستاد برنامه منتشر شده یک متن ۶۱ صفحه ای حاوی ۳۰۶ رهنمود کلی است. البته بعداً این تعداد رهنمودها به ۳۱۲ رهنمود افزایش یافته است.

مجموعه دیگری تحت عنوان رهنمودهای کلی ستاد برنامه، سایر رهنمودها در اسفند ۷۷ توسط دبیرخانه ستاد برنامه در اسفند ۷۷ انتشار یافته است. به عبارت دیگر این دسته سوم رهنمودهاست و رهنمودهایی است که از آن مجموعه جدا می شود و ۳۰ صفحه است و حدود ۱۵۲ رهنمود را در برمی گیرد. از این ۱۵۲ رهنمود، ۹۴ رهنمود اقتصادی است که تحت این عنوان طبقه بندی شده اند: تحقیق و توسعه و نوآوری، تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیتهای اقتصادی، ساماندهی شرکتهای دولتی، خصوصی سازی، اصلاح ساختار اداری و مدیریت، اصلاح نظام مالیاتی و بودجه ریزی، سیاستهای پولی و ارزی و تورم، ساماندهی بازارهای مالی و تولید و سرمایه گذاری، نظام تأمین اجتماعی، اصلاح سیاستهای اشتغال و صادرات غیرنفتی.

آنچه در هیات دولت تصویب شده حدود ۵۰ رهنمود اقتصادی است. در مجموعه مصوبات مقام معظم رهبری که ۳۶ رهنمود است، ۱۶ رهنمود اقتصادی است. از ۲۰ رهنمود باقیمانده، ۵ رهنمود

بهره وری از یک سر و تورم و دستمزدها از سری دیگر ایجاد می گردد.

۴۰ - تسهیلات قانونی و اداری لازم در جهت اشتغال نیروی کار ایرانی در خارج از کشور فراهم می گردد.

۴۱ - دستیابی به جهش در صادرات غیرنفتی با بهره گیری از مزیت های نسبی موجود و کمک به خلق مزیت های نسبی در بخشهایی که با توجه به اهداف توسعه ملی و روندهای جهانی قابلیت دارند، مدنظر قرار می گیرد.

۴۲ - به منظور ایجاد تحرک بیشتر تجاری کشور و استفاده از ترجیحات تجاری با حذف موانع پیش روی صادرات، تمهیدات لازم فراهم می شود.

۴۳ - حفظ ثبات نرخ واقعی ارز (مورد عمل در صادرات) از طریق تنظیم نرخ اسمی ارز با نرخ تورم با هدف حفظ قابلیت رقابت کالاهای صادراتی کشور به گونه ای که زمینه توسعه صادرات فراهم گردد، مدنظر قرار می گیرد.

۴۴ - برنامه توسعه بخش صنعت بر مبنای بسرونگری با هدف تحقق راهبرد جهش صادراتی تدوین می گردد.

۴۵ - جهت گیری فعالیتهای مناطق آزاد با تأکید بر حصول هدف تأسیس این مناطق در جهت توسعه صادرات و جلب سرمایه های خارجی، اصلاح می گردد.

۴۶ - اصل بر مجاز بودن صدور کلیه کالاها و خدمات است، مگر در موارد استثنایی که فهرست آن در آغاز برنامه تعیین و اعلام می گردد. فهرست مذکور در طول سالهای برنامه از طرفی که معین می شود، بتدریج کاهش می یابد.

۴۷ - اعطاء اعتبارات صادراتی برای صدور کالا و خدمات به بازارهای هدف افزایش می یابد و بانکها و نهادهای دولتی و خصوصی برای ارائه خدمات صادراتی تجهیز و تقویت می شوند.

۴۸ - در جهت توسعه صادرات و هماهنگی واحدهای ذیربط در کشور، سیاستگذاری بازرگانی متمرکز می گردد.

۴۹ - سیاستهای تجاری فعال در جهت حذف معایبها و انحصارات، تبدیل موانع غیرتعرفه ای به تعرفه های معادل، ساده سازی نظام و کاهش تعدد نرخهای تعرفه طراحی می گردد. □

بهشتی:

دیدگاههای اقتصادی

ارائه شده

در برنامه سوم
اولاًبه مسائل اصلی
توجه ندارد،

ثانیاً

دچار تعارضی

فکری است که

آیا وضع موجود

با اندکی تغییر

ادامه یابد و یا باید

دگرگونی عمیق

ایجاد شود.

عسلی:

تا موقعی
که

اصلاحات در جهت

آزادسازی

اقتصاد

صورت نگیرد،

اقتصاد کشور

به یک اقتصاد پویا

و رقابتی

و مولد تبدیل نخواهد شد.

صمیمی:

اصلاح روند

جز از طریق

اصلاحات ساختاری

در رفتار

دولت و نگاههای

دولتی

و تقویت

فضای رقابت و فعالیت

بخش غیردولتی

و برون نگر اقتصادی

امکان پذیر

نیست.

صابری:

ما باید همانند

مسائل فرهنگی و سیاسی،

مباحث اقتصادی

نظیر

اصول حاکم

بر اقتصاد

در زندگی افراد،

نقش اقتصاد

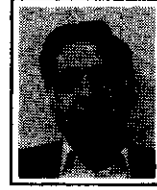
در فرهنگ و ایدئولوژی

را به جامعه

عرضه کنیم

و حمایت جامعه

را بدست آوریم.



فرهنگی است و بقیه رهنمودهای اجتماعی، سیاسی، دفاعی و امنیتی است.

بنابراین در حقیقت مجموعه بزرگ و فراگیر و زمان بر تحت عنوان رهنمودهای اقتصادی داریم که حاصل کار گروههای مختلف است. حالا درباره مجموعه‌ای به این وسعت چه می‌توان گفت؟

من در اینجا نکته‌ای عرض کنم. واقعاً بحث ما تحلیل نهادانه این مجموعه است و گرچه انصافاً باید گفت دولت و سازمان برنامه و شوراهای و سایر ارگانها با تلاش و جدیت فراوانی در تهیه آن کوشیده‌اند. منظور از نقد برنامه، خدای ناکرده بحث پایین آوردن ارزش کار نیست. بحث این است که بتوانیم در مقطعی که هستیم به اصلاحات احتمالی این برنامه کمک کنیم.

اجازه بدهید در این قسمت از بحث به تحلیل محتوایی مساله بپردازم. در ۴۹ راهبردی که در مصوبه هیات دولت است مسائل زیادی مطرح شده ولی چند نکته تازه به چشم می‌خورد که من سعی می‌کنم به این نکات اشاره کنم.

تغییرات در برنامه سوم

اولین و شاید مهمترین نکته این است که در رهنمودهای مصوبه دولت بحث شده که نظام بانکی باید رقابتی باشد و چندسیاست مشخص هم در این مورد ذکر شده است. در این رهنمود آمده است که اولاً به هر بانکی اجازه داده خواهد شد که در زمینه‌های خیلی مهم مثل تعیین نرخ سود تسهیلات

دریافتی و پس انداز بتواند تصمیمات وسیعی بگیرد. این یک رهنمود تغییر مهمی در نظام بانکی تلقی می‌شود.

نکته دیگر اینکه ترخها برای بخشهای مختلف صنعت، کشاورزی، مسکن و... یکسان خواهد شد. ضمناً به هر بانکی اجازه داده خواهد شد که برای جذب بیشتر سپرده‌ها و رقابتی شدن، اقدامات لازم را انجام دهد. بداعتقاد من، این مسایل نسبت به گذشته یک تغییر اساسی است.

تغییر دوم در این مصوبات این است که گفته شده است تصدی‌های اجتماعی نظیر آموزش و بهداشت و درمان به بخش غیردولتی مانند شوراهای اسلامی واگذار شود. این تغییر اساسی روی تصدی‌های اجتماعی است. اما اگر سایر بندها را در نظر نمی‌گرفتیم، به نظر می‌رسد که در زمینه یارانه‌ها تصمیم گرفته شد که یارانه فقط به تولیدکننده پرداخت شود. ولی چون در جای دیگری بحث یارانه آمده این تفسیر نمی‌تواند تفسیر درستی باشد.

تغییر دیگر این است که تامین مالی اعمال وظایف حاکمیتی در اولویت قرار می‌گیرد. چون در جای دیگری آمده است که اندازه دولت کوچک خواهد شد و استقراض صورت نخواهد گرفت، لذا اگر این مساله جدی باشد، نشانه تغییر شدید ساختار دولت است. در زمینه قیمت‌گذاری هم مشخص شده که چند دسته کالا است که حتماً

قیمت‌گذاری خواهند شد و بقیه با قیمت آزاد عرضه می‌شوند. این مورد هم یک نوع تغییر تلقی می‌گردد. قیمت‌گذاری فقط در مورد کالاهای اساسی نظیر دارو و کالاهایی که سهم عمده در هزینه مصرف خانوارهای کم درآمد دارند صورت می‌گیرد. در قیمت‌گذاری هم تغییر ایجاد شده به طوری که تنها هزینه تولید را پوشاند و یک سود عادلانه هم داشته باشد و لذا یارانه به تولیدکننده پرداخت خواهد شد.

دو تاکید دیگر هم برای تولید اقتصادی در این مجموعه وجود دارد که تغییر محسوب می‌شود: ۱- تاکید بر گسترش خدمات بیمه‌ای که در رهنمودهای کلی در برنامه‌های قبلی نبوده است. ۲- تاکید بر صنایع کوچک و واسطه‌ای و تبدیلی و صادراتی.

در برنامه سوم در زمینه ارز به محدود شدن تنوع قیمت آن اشاره شده است، ولی توضیح بیشتری درباره آن داده نشده است. اما صراحتاً بر ثابت ماندن نرخ واقعی ارز صادراتی تاکید شده است. به عبارت دیگر اعلام شده است که دولت برای صادرکننده، معادل نرخ تورم هرسال اجازه خواهد داد که قیمت رشد کند، این مساله هم یک تغییر تلقی می‌شود.

جهت‌گیری اقتصادی

باتوجه به نکاتی که عرض شد ولی بایک

مقدار مسامحه می‌توان گفت تصویر کلی اقتصادی که دولت از برنامه سوم ارائه می‌دهد این چنین است:

دولت عمدتاً به اعمال حاکمیت می‌پردازد، نظام تامین اجتماعی مستقیم و غیرمستقیم گسترده و فراگیر می‌شود، یارانه به تولیدکنندگان پرداخت می‌شود، سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی و خارجی مورد حمایت قرار می‌گیرد، و قدرت صادراتی یک شاخص مهم اندازه‌گیری توان اقتصادی می‌شود، و عمده درآمد دولت ناشی از مالیاتها خواهد بود. اگر این تصویر کلی را به یک کلام باز گردانیم به نظر می‌آید که جهت‌گیری اقتصادی دولت همان جهت‌گیری است که ما در سوسیالیسم اروپایی می‌بینیم.

تصویر سوسیالیسم اروپایی چیست؟ تفاوت سوسیالیسم اروپایی با کمونیسم شوروی سابق و چین چه بود؟ سوسیالیسم اروپایی هیچ موقع انگیزه خصوصی را زیر سوال نمی‌برد، انگیزه خصوصی همیشه در بطن کار بازار رقابت وجود دارد. آنچه نظام سرمایه‌داری خالص را به سوسیالیسم اروپایی تبدیل کرد این بود که به تدریج طی دو قرن جامعه اروپا پذیرفت که قبودی در مورد حقوق بشر وجود دارد. انگیزه خصوصی در چارچوب این قبود کار می‌کند و این قبود هم فارغ از قانون اساسی است. اما این تبدیل نظام سرمایه‌داری به نظام سوسیالیسم اروپایی متضمن بیش از ۲۰۰ سال حوادث وسیع اقتصادی در اروپا بوده است. آیا ما می‌توانیم در دنیای واقعیت به این سرعت به سراغ این تصویر برویم؟ جواب بنده منفی است و لذا برنامه می‌تواند از این دیدگاه دچار مشکلات اساسی شود.

نکته دیگری که در اینجا باید مورد اشاره قرار دهم این است که بین تصویری که از رهنمودهای موردتأیید مقام معظم رهبری به دست می‌آید و تصویری که از رهنمودهای هیات دولت حاصل می‌شود فاصله زیادی وجود دارد. در رهنمودهای مصوب مقام معظم رهبری و درحقیقت در اولین رهنمود ایشان، تمرکز دادن همه فعالیت‌های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی به سمت و سوی عدالت اجتماعی و کاهش فاصله میان درآمدهای طبقات و رفع محرومیت از قشرهای کم‌درآمد صراحتاً ذکر شده است. حتی بلافاصله در رهنمود دوم به ایجاد نظام جامع تامین اجتماعی برای حمایت از حقوق محرومان و مستضعفان و مبارزه با فقر و حمایت از حقوق محرومان و مستضعفان و مبارزه با فقر و حمایت از نهادهای عمومی و مردمی و موسسات

با رعایت ملاحظات دینی و انقلابی اشاره می‌شود. در واقع رهنمود دوم اشاره به این سخن دارد که نظام جامع تامین اجتماعی مقوله جدایی است و با بحث عدالت اجتماعی که در رهنمود اول آمده متفاوت است.

در رهنمود سوم به تلاش برای مهار تورم و حفظ قدرت خرید گروه‌های متوسط و کم‌درآمد جامعه اشاره شده است. در رهنمود پانزدهم، به طور صریح استفاده از سرمایه‌گذاری خارجی بیان شده که رعایت دقیق منافع ملی و قانون اساسی و پرهیز از سلطه بیگانگان در جذب منابع خارجی باید مورد توجه دقیق باشد.

وقتی که متخصصی علاقه‌مند به رهنمودهای برنامه سوم کشور به مطالعه این رهنمودها می‌پردازد و ۱۶ رهنمود اقتصادی مقام معظم رهبری را مطالعه می‌کند ملاحظه می‌شود که ۱۱ رهنمود آن با رهنمودهایی که در هیات دولت به تصویب رسیده تغییر محتوایی دارد. به عبارت دیگر رهنمودهای مصوب هیات دولت یک تصویر اقتصادی است که سعی می‌کند اصولاً اقتصاد به صورت آزاد حرکت کند و یک نظام تامین اجتماعی نسبتاً گسترده را مدنظر دارد. ولی در رهنمودهای مقام معظم رهبری، نه تنها تأکید بر نظام جامع تامین اجتماعی است، بلکه به هیچ وجه روی یک اقتصاد آزاد تأکید نشده است. بلکه تأکید روی اقتصادی است که سمت و سوی عدالت اجتماعی و کاهش فاصله درآمدهای میان طبقات و رفع محرومیت در کشور است. به عبارت دیگر در رهنمودهای مقام معظم رهبری عمده کمک به اقشار محروم در خود اقتصاد تعبیه می‌شود و نه در نظام تامین اجتماعی و به همین دلیل خیلی از مسائل موردتأکید صریح قرار گرفته است. برای مثال اهتمام به توسعه و عمران روستاها و توجه ویژه به معیشت روستائینان جزو رهنمودهای مقام معظم رهبر است. ولی در رهنمودهای کلی دولت، چنین مقوله‌ای به صراحت مطرح نمی‌شود. در هر حال، نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم این است که از نظر رهنمودهای منتشرشده از نظر اقتصادی دو تصویر داریم و لذا انتظار می‌رود نوعی تعدیلات در مصوبات هیات دولت در برنامه صورت خواهد گرفت. در هر حال باید منتظر بمانیم و ببینیم تصویر نهایی چه خواهد شد؟ آیا تصویر نهایی نزدیک خواهد بود به همان تصویری که در مصوبات مجموعه هیات دولت و ستاد برنامه است؟ یا تصویری است که از رهنمودهای کلی مقام معظم رهبری قابل استخراج است.

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که اگر ما یکی از این تصویرها مثلاً تصویری حاصله از مصوبات هیات دولت را در نظر بگیریم تا چه حد چنین تصویری را در ایران می‌توان واقع‌گرا دانست.

همان‌گونه که قبلاً هم عرض کردم تبدیل نظام سرمایه‌داری محض به سوسیالیسم اروپایی در کشورهای ذیربط بیش از دو قرن طول کشید و بعد از دو قرن فرهنگ سازی، فن‌سازی و علم‌سازی است که سوسیالیسم ویژه موردبحث در اروپا به وجود می‌آید و به خوبی کار می‌کند. در این جوامع درآمد سرانه افراد بالای ۲۰ هزار دلار است و برخی از این کشورهای اروپایی ساختارهایی ایجاد کردند که برای ما اصلاً قابل تصور نیست.

دولت سوئد سرانه‌ای که فقط برای تامین اجتماعی هزینه می‌کند بیش از ۱۰ هزار دلار است. کل تولید سرانه ملی ما را ببینید و با تولید سرانه آن کشور و یا با همین رقم ۱۰ هزار دلاری از هزینه تامین اجتماعی مقایسه کنید. سوسیالیسم اروپایی تصویر اقتصاد خود را دارد و ما هم ویژگیهای اقتصادی خود را داریم که از لحاظ درآمد سرانه قابل مقایسه با آنها نیست. از این لحاظ من نمی‌دانم جهت‌گیری اقتصادی به سمت سوسیالیسم اروپایی تا چه حد متکی بر واقعیات خواهد بود. علاوه بر این مسایل فرهنگی را هم باید در نظر داشت. فرهنگ جامعه ما دارای سه ویژگی قهرمان سالاری، فرمان سالاری و سنت سالاری است و از درون قهرمان سالاری همیشه استبداد سالاری پیدا می‌شود. تصویر اقتصادی چنین فرهنگی، تصویر فرهنگی سوسیالیسم اروپایی نیست.

سوسیالیسم اروپایی به جای فرمان سالاری، سنت سالاری و قهرمان سالاری دارای انسان سالاری، علم سالاری و فن سالاری است. به همین جهت در سوئد، قهرمانان عجیب و غریب نمی‌بینید و لذا برای ما خیلی تعجب‌آور است که پادشاه سوئد در کنار مردم دو چرخه سواری می‌کند. زیرا ما عادت نداریم که شاه را به غیر از یک قهرمان ببینیم.

بنابراین اگر حتی ما در بهترین تصویر به دنبال اقتصاد سوسیالیسم اروپایی بدون توجه به مسایل فرهنگی و ویژگیهای اقتصادی خودمان باشیم، عملاً نتایج مطلوبی به دست نخواهیم آورد.

از این دید فکر می‌کنم که مجموعه این سیاستها برای واقع‌گرا کردن مسائل نیاز به بازنگریهای جدی‌تری دارد. علیرغم زحمات زیادی که برای تهیه مجموعه برنامه سوم کشیده شده

اینکه هر سنی جمعیت در حال تغییر است و ظرف ده سال آینده شاهد ورود ۸ تا ۹ میلیون نفر به بازار کار خواهیم بود. این امر نیاز به حداقل رشد ۶ درصدی اقتصادی در طول سالهای آتی دارد که خود نیازمند کاری سترگ است. منابع فعلی جوابگوی این رشد نیست، لذا ضرورت دارد ضمن تجهیز منابع و پس اندازهای داخلی از منابع خارجی نیز استفاده کنیم. دلیل دیگر اینکه کشور فاقد نظام تامین اجتماعی مناسب است که بتواند افرادی را که زیر خط فقر قرار دارند پوشش دهد.

گسترده‌گی و عدم کارایی دولت هم در اداره امور کشور و هم در اداره اقتصادی شرکت‌های دولتی از نکات کلیدی دیگری است که جامعه با آن روبروست. جمعیت عظیم جوان کشور نیز مشکلات

فرهنگی را پیش‌رو قرار می‌دهد و مشخص نبودن اولویت‌های علمی کشور نیز مزید بر علت است. در بعد تکنولوژی برنامه خاصی مشاهده نمی‌شود و صنایع پیشرو متکی بر تکنولوژی به صورت

سازمان‌یافته وجود ندارند. مجموعه این نکات به همراه روشن نبودن رابطه سیاست خارجی با مقولات دفاعی و اقتصادی و مشکلات داخلی از

بعد مشارکت و قانونمندی، بیانگر این واقعیت است که نیاز به حرکتی سریع به پیش داریم.

در این مسیر سیاستگذاران مدعی‌اند که در قالب رهنمودهای پیش‌بینی شده در برنامه توسعه سوم سعی دارند به نهادسازی و اصلاح ساختارها بپردازند. مدعی‌اند که به دنبال تنظیم لیستی از پروژه‌ها و آمال و آرزوهای غیرواقع‌گرایانه تحت عنوان برنامه نیستند. شواهد نشان‌دهنده تغییراتی در فرایند برنامه سوم در مقایسه با برنامه‌های قبلی است که این موضوع می‌تواند نوعی امیدواری را دربرداشته باشد، ولی درعین حال شاهد تناقض در برخی از رهنمودها هستیم که بیانگر عدم درک واحد از مفاهیمی که قرار است تحت عنوان برنامه روی آن کار کنیم نزد سیاستگذاران اصلی کشور است.

در پایان با تشکر فراوان از حضور تمامی میهمانان ارجمند در این نشست مدیریتی امید آنکه این قبیل میزگردها و مباحث بتواند در جهت شناخت بیشتر مسائل کشور و نزدیک کردن دیدگاهها و عبرت‌آموزی از گذشته اثرگذار باشد، زیرا راه دشوار و زمان کوتاه و نسل جوان مشتاق برخورد خردورزانه و واقع‌گرایانه سیاستگذاران و مدیران کشور است. □

ما هم معتقدیم که در یک برنامه پنجساله و یا حتی در ده سال نمی‌توان به وضعیت کشورهای اروپایی رسید ولی به هر حال باید حرکت کرد و راه صحیح نیز جز از طریق اصلاح ساختارها و رفع موانعی که بر سر راه فعالیت بخش‌های غیردولتی وجود دارد و تحدید دولت به اعمال حاکمیت به جای تصدی فعالیت‌های اقتصادی که در قانون اساسی تصریح نشده است، نمی‌باشد. درعین حال نباید عقب‌افتادگیهای علمی و فرهنگی را مانع اصلی توسعه اقتصادی کشور دانست. به نظر من اگر سیاست‌های اقتصادی اصلاح شود ملاحظه خواهید کرد که فعالیت‌های اقتصادی شروع شده و گسترش خواهد یافت و ما قبلاً هم سابقه رشد مستمر بالای ۹ درصد برای سالهای متمادی را داشته‌ایم.

نصیرزاده: ما نتایج خوبی از این جلسه کارشناسی گرفتیم. البته بحث این نبود که ما تمام مسائل برنامه سوم را نقد کرده و موردارزیابی قرار دهیم. مخاطبان این میزگرد دو گروه بودند: یکی دست‌اندرکاران و سیاستگذاران که بعضی از دوستان باحضور در این جلسه نقطه نظرات برخی از اندیشمندان و دست‌اندرکاران تهیه این برنامه را بازگو کردند.

مخاطب دیگر این میزگرد مدیران هستند که برای آگاهی پیرامون برنامه سوم، ماهنامه تدبیر را مطالعه می‌کنند. اما نکته‌ای که به نظر من در این مورد گامی مثبت تلقی می‌شود این است که دوستان توافق داشتند برنامه سوم با برنامه‌های قبلی تفاوت‌هایی داشته است. به نوعی کلیه دست‌اندرکاران کشور توافق دارند که ادامه روند وضع موجود، کشور را بحرانی کرده و حتی به قول یکی از دست‌اندرکاران به تلاشی خواهد کشاند و تلاشی خواهد کرد.

بنابراین همه در زمینه مقوله تغییر توافق کردند. اما به نظر می‌رسد در مورد این تعبیر، قرائت‌های مختلفی وجود دارد که بایستی در مورد آنها دقت کرد و در این جلسه هم روی آنها بحث شد.

حرکتی سریع

به گمان برنامه‌ریزان و اندیشمندان، کشور ما به دلایل زیر نیازمند حرکتی سریع است. دلیل اول

است، بعلاوه چیزی که بیش از همه فراموش شده مشکلات فوری مردم است، حتی اگر این تصویرها برای توسعه اقتصادی کشور هم کافی باشد. به اعتقاد من این سیاستها نمی‌تواند به بیکاری جوانانی که ظرف چندسال آینده وارد بازار کار می‌شوند و نیز آسیب‌پذیری‌های اجتماعی و سایر مسایل فردی کشور پاسخ کافی و به‌هنگام بدهد.

به اعتقاد بنده باید این مجموعه از راهبردها را با یک برنامه کوتاه‌مدت اقتصادی همراه کنیم، زیرا ساختار دولت یک‌شبه اصلاح نخواهد شد. در مورد نهادسازی هم تاکید می‌کنم که در کنار نهادسازی و حتی، بیش از نهادسازی، نهادینه کردن مسایل مهم است. مساله مهم در نهادینه کردن این است که وقتی قانونی را وضع کردید هیچ کسی خارج از آن نتواند اعمال نفوذ کند. در هر حال نهادسازی و نهادینه کردن نیاز به زمان دارد، در حالی که جای مسائل فوری مردم نظیر بیکاری جوانان و مسکن در این مجموعه که در کوتاه‌مدت بتواند بخشی از این نوع مشکلات را حل کند خالی است. برای حل این مسائل هم باید فضای آرام‌تری را از نظر سیاسی ایجاد کرد و چنین فضای آرام‌شده‌ای است که می‌توان گفتگوها را به داخل مردم برد و تصمیم گرفت و عمل کرد. در غیراین صورت علی‌رغم حسن نیتی که در تهیه این مجموعه وجود داشته ممکن است وقتی وارد اجرا می‌شویم متوجه شویم که این تابلویی است که روی کاغذ سفید کشیده شده و قابل اجرا نیست در زیر این تصویر، جامعه‌ای با مشکلات عظیم خوابیده است که به ما اجازه نمی‌دهد تابلوی زیبای طرح‌هایش را اجرا کنیم.

عسلی: نکته‌ای که در توضیح مطالب جناب آقای دکتر عظیمی بود اینکه واقعاً وضعیت فعلی و کوتاه‌مدت فراموش نشده است. اصولاً برای انعطاف‌پذیر کردن برنامه، مکانیسم‌های لازم برای تجدیدنظر در اهداف کمی و سیاست‌های برنامه هر دو سال یکبار دیده شده است. ولیکن مساله آن است که دقت کنیم برنامه‌های کوتاه‌مدت ما با کارایی و رشد پایدار بلندمدت اقتصادی تناقضی نداشته باشد. مثلاً اگر با حفظ ساختارهای کنونی خواهیم با افزایش مخارج دولت ایجاد تحرک اقتصادی و اشتغال کنیم، نه تنها رشد اقتصادی قابل توجهی نخواهیم داشت، بلکه به دلیل کسری بودجه و توسعه پایه پولی منجر به تورم و بدتر شدن توزیع درآمدها می‌شود.